

مؤلفه‌های تشدید بحران در روابط ایران و آمریکا؛ ان‌پی‌تی یا توازن فراساحلی؟

رضیه موسوی فر^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۲/۱)

چکیده

مسئله فناوری هسته‌ای در سال‌های اخیر به چالش اصلی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و بر درجه امنیتی شدن سیاست خارجی افزوده است. آمریکا چالشگر اصلی و طلاهدار تهدید و تحریم علیه جمهوری اسلامی است. این دولت با توسل به قرارداد منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به رویارویی با جمهوری اسلامی پرداخته و با اعمال تحریم و تهدید درصدد تغییر رفتار- و به‌زعم بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل تغییر نظام- جمهوری اسلامی برآمده است. این روند از آغاز مناقشه هسته‌ای تا رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ادامه داشت که با امضای برجام انتظار می‌رفت که بحران فروکش کند، اما با ورود ترامپ به کاخ سفید و اعلام خروج آمریکا از برجام، بحران هسته‌ای با شدتی بیش از گذشته دامنگیر روابط خارجی ایران شد، به‌گونه‌ای که بخش عمده انرژی و توان متولیان سیاست خارجی ایران، صرف دفاع و رفع تهدیدات و فشارهای ناشی از بحران هسته‌ای می‌شود. این مسئله سؤالاتی را فراروی ما قرار می‌دهد، از جمله اینکه مواضع دولت آمریکا در قبال فناوری هسته‌ای جمهوری اسلامی، آیا صرفاً برای ممانعت از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و در راستای قرارداد ان‌پی‌تی است؟ یا به مسائل دیگر از جمله ماهیت جمهوری اسلامی و مواضع این کشور در سیاست خارجی برمی‌گردد. فرضیه مقاله این است که فشارهای آمریکا بر ایران صرفاً به قرارداد منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای برنمی‌گردد، بلکه ماهیت و مواضع سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه با رویکرد توازن فراساحلی آمریکا در خلیج فارس در تقابل است و این تقابل، از علل اصلی تشدید مناقشات دو کشور به‌شمار می‌رود. یافته‌های پژوهش مؤید فرضیه مذکور است. در نگارش این مقاله از رویکرد تبارشناسانه (تاریخی- تطبیقی) و روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی

آمریکا، ان‌پی‌تی، ایران، برجام، توازن فراساحلی، فناوری هسته‌ای.

مقدمه

روابط ایران و آمریکا در دوره رژیم پهلوی روابطی استراتژیک و همکاری‌جویانه در تمامی عرصه‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی-نظامی بود. پیروزی انقلاب اسلامی و بحران گروگان‌گیری، سرآغازی شد برای آشکار شدن و رسمیت یافتن تقابل دو کشور که با توجه به شعارهای انقلاب اسلامی دور از انتظار هم نبود. در مدت کوتاهی روابط دوستانه دیروز به روابطی خصمانه و مقابله‌جویانه تبدیل شد. همکاری‌های گسترده دو کشور در تمامی عرصه‌ها متوقف شده، تهدید و تحریم جایگزین همکاری شد. در نگاه کلی، چالش‌های عمده در روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: فناوری هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم و تقابل جمهوری اسلامی با اسرائیل، که هر کدام از این عرصه‌ها نقشی بسزا در افزایش تنش‌ها و تخصیصات بازی کرده‌اند، اما دغدغه این مقاله بررسی نقش چالش اول یعنی فناوری هسته‌ای است.

ناکارآمدی سیستم امنیت جمعی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، سبب تداوم اعتبار استراتژی‌های بازدارندگی و اتکا بر خودیاری (self - help) شده است و از آنجا که براساس تئوری‌های بازدارندگی، سلاح‌های اتمی به‌علت قدرت تخریب گسترده و انهدام سریع، بازدارندگی بیشتری را برای دارندگان این نوع سلاح‌ها به‌وجود می‌آوردند، دستیابی به آنها برای کشورها به‌ویژه کشورهایی که در معرض تهدیدات جدی و تهدیدات موجودیتی^۱ قرار دارند، جذابیت و اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

واقع‌گرایان با توجه به تهدیدات امنیتی موجود در محیط امنیتی ایران، تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته را ضرورتی عقلانی برای حفظ موجودیت کشور ایران می‌دانند. رویکرد واقع‌گرا و واقع‌گرایان، ایرانی را به تصویر می‌کشند که همسایگانی متخاصم و دشمنانی هسته‌ای (اسرائیل و آمریکا) دارد و شاهد رقابت دو کشور هسته‌ای همجوار (هند و پاکستان) خود بوده و در تقابل مستمر با ابرقدرت فائق قرن (آمریکا) در طول دوران پس از انقلاب است. علاوه بر آن در منطقه‌ای حضور دارد که شاهد پنج جنگ در طول ربع قرن اخیر بوده و درگیر رقابت‌های ایدئولوژیک از سوی همسایگان اهل سنت و تعارضات شدید با افراطیون وهابی و غیره است و در نتیجه رفتار عقلانی از سوی ایران باید تلاش بی‌وقفه برای کسب سلاح هسته‌ای باشد و بس. از این رو از منظر واقع‌گرایی ایران با موقعیت ژئوپلیتیک مخاطره‌آمیز خود درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است تا با استفاده از قدرت بازدارندگی آن، امنیت خود را ارتقا بخشد. این رویکرد از منظر واقع‌گرایی و واقع‌گرایان، تصمیمی بخردانه

و ناگزیر است، از این رو به ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر صلح‌آمیز بودن فناوری هسته‌ای، به دیده تردید نگریسته می‌شود.

کنت والتز معروف‌ترین نظریه‌پرداز نواقع‌گرا، قائل به نقش بازدارنده سلاح‌های هسته‌ای است و هسته‌ای شدن ایران را در راستای تأمین منافع غرب و برقراری ثبات در خاورمیانه می‌داند. وی معتقد است که «در مورد خطر هسته‌ای شدن ایران بیش از اندازه بزرگ‌نمایی شده است»^۱ (Foreign Affairs/17/7/2012). اما ویژگی بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای در مورد جمهوری اسلامی ایران، از سوی غرب و به‌طور مشخص آمریکا، نه‌تنها پذیرفته نیست، در بلکه این زمینه سیاست یک بام و دو هوا^۲ اعمال می‌شود.

هسته‌ای شدن ایران در سال‌های اخیر، به اصلی‌ترین چالش جمهوری اسلامی و آمریکا تبدیل شده است. رویکرد دوگانه آمریکا در مسئله پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نسبت به اسرائیل و اخیراً عربستان سعودی و نیز عملکرد آمریکا در خصوص فناوری هسته‌ای در زمان پهلوی، داعیه ممانعت از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای از سوی آمریکا را زیر سؤال می‌برد. هدف این مقاله بررسی تطبیقی برخورد آمریکا با مسئله فناوری هسته‌ای ایران در زمان محمدرضا شاه پهلوی و دوران بعد از انقلاب اسلامی است تا پاسخی برای این پرسش بیابیم که آیا مواضع خصمانه آمریکا در قبال ایران با ادعای ممانعت از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در راستای قرارداد ان‌پی‌تی است یا به مسائل دیگر از جمله ماهیت جمهوری اسلامی و مواضع این کشور در سیاست خارجی و نیز استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه برمی‌گردد؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور، فرضیه مقاله عبارت است از اینکه فشارهای آمریکا بر جمهوری اسلامی صرفاً به قرارداد منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بر نمی‌گردد، بلکه ماهیت جمهوری اسلامی و سیاست خارجی این کشور و تقابل آن با رویکرد آمریکا در منطقه خاورمیانه از علل اصلی تشدید مناقشات دو کشور است. برای دستیابی به پاسخ، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ابتدا روند فعالیت هسته‌ای ایران در زمان محمدرضا پهلوی را بررسی می‌کنیم و سپس روند هسته‌ای شدن ایران پس از انقلاب اسلامی را پی می‌گیریم و مواضع آمریکا را در این دو برهه به نظاره خواهیم گذاشت. در ادامه با توجه به یافته‌های حاصل از مقایسه رفتار آمریکا در مورد امری واحد (فناوری هسته‌ای) و در کشوری واحد (ایران)، در خصوص تأیید یا عدم تأیید فرضیه مقاله به استدلال خواهیم پرداخت.

۱. بزرگ‌نمایی خطر هسته‌ای ایران در جلسه استماع گزارش کمیته ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط نماینده آمریکا شایان توجه است. وی وضعیت را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که گویا جهان در آستانه نابودی توسط ج.ا.ا. است. رک:

برنامه هسته‌ای ایران در زمان محمدرضا پهلوی

برنامه هسته‌ای ایران به قول دیوید پاتریکاراکاس نویسنده کتاب *ایران هسته‌ای: تولد یک حکومت اتمی* به‌طور ناگهانی در جمهوری اسلامی سر بر نیاورد، بلکه در دوران حکومت محمدرضاشاه پهلوی، با کمک ایالات متحده آغاز شد (Patrikarakos, 2012).

در سال ۱۳۳۸ به دستور شاه مرکز پژوهش‌های هسته‌ای در دانشگاه تهران تأسیس شد. از اواخر دهه ۵۰ میلادی تا سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ همکاری‌های اتمی آمریکا و اروپا با ایران رو به گسترش بوده و حتی در میان دارندگان فناوری هسته‌ای بر سر بستن قرارداد با ایران، رقابت‌های جدی در میان بوده است (Sharon, 2003: 1-3؛ زاهدی، ۱۳۸۵). اولین راکتور هسته‌ای به‌منظور تحقیقات هسته‌ای از آمریکا خریداری و در سال ۱۳۵۴ فعالیت خود را شروع کرد که از مرکزی با ۹۳ درصد اورانیوم غنی‌شده استفاده می‌کرد که برای تولید برخی از سلاح‌های هسته‌ای کافی بود.

شاه که سازمان انرژی اتمی را در سال ۱۹۷۴ تأسیس کرده بود، به‌سرعت به تجهیز آن پرداخت و قراردادهای لازم را با کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه و آفریقای جنوبی منعقد کرد (کردزمن، ۱۳۸۲).

شاه در سال ۱۹۷۵ بودجه سازمان انرژی اتمی ایران را از ۳۰ میلیون دلار به یک میلیارد دلار افزایش داد که حاکی از برنامه‌های جاه‌طلبانه برای دسترسی به فناوری هسته‌ای بود. شاه در مواردی به‌صراحت از دستیابی ایران به فناوری سلاح‌های هسته‌ای سخن گفت؛ از جمله در سال ۱۹۷۴ گفت ایران بدون شک بسیار زودتر از آنچه فکر می‌کنید به سلاح اتمی دست خواهد یافت و مجدداً در سال ۱۹۷۵ گفت ایران تمایلی به سلاح هسته‌ای ندارد، اما اگر قرار باشد کشورهای کوچک درصدد کسب آن باشند، ایران مسلماً در سیاست‌های خود تجدیدنظر خواهد کرد. این در حالی بود که در وزارت خارجه آمریکا صحبت از توافقات هسته‌ای، تحویل نیروگاه اتمی و اورانیوم به ایران به هر اندازه که شاه بخواهد بود. جیمی کارتر نیز به شاه قول داد که در امور مربوط به بازفراوری سوخت اتمی به ایران وضعیت کامل‌الوداد اعطا کند و نیز با فروش شش تا هشت راکتور آب سبک موافقت کرد. این در حالی بود که آمریکا

۱. البته دکتر اکبر اعتماد مؤسس سازمان انرژی اتمی که برخی وی را پدر فناوری هسته‌ای ایران می‌دانند، در این زمینه نظر دیگری دارد و می‌گوید: «تعجب می‌کنم. خیلی‌ها صحبت از این می‌کنند که آمریکا با ایران در زمینه انرژی اتمی همکاری می‌کرده است. این‌طور نیست. از زمان تأسیس سازمان انرژی اتمی که شروع فعالیت‌های گسترده اتمی ایران بود، ما با آمریکا هیچ نوع همکاری‌ای نداشتیم و سازمان انرژی اتمی هیچ نوع دادوستدی با آمریکا نداشت» (asriran.com/1387/1/21). اما شواهد و ادله حاکی از عدم تأیید نظر ایشان است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. شایان ذکر است که بی‌بی‌سی فارسی اخیراً مستندی را پخش کرده که مؤید همکاری و حتی تشویق ایران به گسترش فعالیت‌های هسته‌ای از سوی آمریکا است (۲۰۱۹/۷/۴ تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی).

از تلاش شاه برای تولید سلاح هسته‌ای آگاهی داشت و مقامات اداره کل تحقیق و توسعه انرژی آمریکا اسامی کشورهای در حال دستیابی به سلاح هسته‌ای را - مانند هند، پاکستان، کره و ایران - اعلام کرده بودند و حتی در سندی محرمانه در وزارت خارجه آمریکا از کوشش‌های ایران برای گسترش پایه‌های انرژی غیرنفتی ابراز خوشنودی و رضایت کرده بودند. اردشیر زاهدی داماد شاه نیز هدف شاه را در مرحله اول دستیابی به انرژی هسته‌ای و در مرحله بعدی، نظامی می‌داند (زاهدی، ۱۳۸۵) و در مستندی هم که بی‌بی‌سی فارسی اخیراً پخش کرده است، شاه به‌صراحت می‌گوید: «چطور فناوری هسته‌ای برای شما (چند کشور غربی را نام می‌برد) خوب است و برای ما بد است!» (بی‌بی‌سی ۲۰۱۹/۷/۴).

فریدون هویدا سفیر ایران در سازمان ملل در زمان شاه نیز تأیید می‌کند که در پس اهداف اعلام‌شده شاه، اهداف نظامی نهفته بود. وی علت تفاوت سیاست آمریکا در زمان شاه و جمهوری اسلامی را حمایت این رژیم از حزب‌الله و گروه‌های مشابه (حماس و گروه‌های جهادی) می‌داند (Hoveida, 2006) و نیز نویسنده کتاب *منافع استراتژیک در خاورمیانه* با بحث در مورد اهداف شاه از روی آوردن به فناوری هسته‌ای، معتقد است که شواهد حاکی از برنامه‌ریزی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده است، درحالی‌که رهبران جمهوری اسلامی با اعتقاد به حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای، در پی کسب مشروعیت داخلی و بازدارندگی هستند، اما آمریکا و اسرائیل با تأکید بر قصد انهدام اسرائیل توسط ایران، تمایل دارند بدترین و نامحتمل‌ترین سناریو را از میان بازدارندگی، و مصارف صلح‌آمیز انتخاب کنند (Covarrubias, 2007: 186-188).

مطالب مذکور بیانگر این مسئله است که غرب و به‌طور خاص آمریکا، با هسته‌ای شدن ایران در دوران پهلوی نه‌تنها مخالفتی نداشته که در راه دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای مساعدت هم می‌کرده است^۱ و با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر سیاست‌های ایران چالش هسته‌ای به مسئله‌ای اساسی در روابط ایران و آمریکا تبدیل می‌شود که در بخش آتی به‌طور خلاصه این تغییر رویکرد را بررسی می‌کنیم.

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد سلاح هسته‌ای و مواضع آمریکا به‌طور کلی ر.ک:

Tannenwald Nina(2008), *The Nuclear Taboo: The United States and the Non-Use of Nuclear Weapons Since 1945*. Cambridge University Press.

جمهوری اسلامی ایران و فناوری هسته‌ای^۱

در بحبوحه انقلاب اسلامی شاپور بختیار آخرین دولت محمدرضا پهلوی، به لغو یکجانبه قرارداد اتمی ایران با فرانسه مبادرت ورزید و عملاً با توقف عملیات ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر در زمان دولت موقت، کلیه فعالیت‌های هسته‌ای تعطیل شدند. اما غلبه دیدگاه واقع‌نگری ناشی از تجربیات جنگ با عراق، موجب تغییر نگرش استراتژی امنیتی کلان کشور شد و دولت ایران با یک شرکت چندملیتی برای ازسرگیری طرح نیروگاه اتمی بوشهر وارد مذاکره شده و مراکز اتمی جدید، راه‌اندازی شد.

با پایان جنگ ایران و عراق، برنامه انرژی هسته‌ای با جدیت بیشتری دنبال شد و در همین زمان قراردادی هم با چین به منظور تکمیل مرکز تحقیقات اتمی اصفهان منعقد شد. از سال ۱۳۶۹ به بعد ایران مذاکراتی را با شوروی و چین برای خرید راکتورهای هسته‌ای آبی آغاز کرد. متعاقب آن کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا و متحد استراتژیکش در منطقه خاورمیانه یعنی اسرائیل، ایران هسته‌ای را خطری برای صلح و امنیت جهانی قلمداد کردند.

در اسفند ۱۳۸۰ بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ پس از بازرسی از تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی اعلام کردند که ایران مقداری هگزافلوراید اورانیوم وارد سانتریفیوژهای گازی کرده و این مسئله را اعلام نکرده است (iaea.org/search/google/iran Feb 2002). البرادعی در ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد ایران از مقررات پادمان کوتاهی کرده و پروسه غنی‌سازی را پیش برده است (iaea.org/search/google/iran Jun 2003؛ توانا، ۱۳۸۳: ۱۵).

شورای حکام در قطعنامه‌ای توقف کامل غنی‌سازی، امضای فوری پروتکل الحاقی، اعلام جزئیات کامل فعالیت‌های هسته‌ای به آژانس را درخواست کرد و تا پایان اکتبر ۲۰۰۳ (۹ آبان ۱۳۸۲) برای اجرای قطعنامه مهلت داد (iaea.org/search/google/iran Sep 2003). مذاکرات ایران، فرانسه، انگلیس و آلمان و صدور بیانیه تهران راه به جایی نبرد و شورای حکام در ۶ آذر ۱۳۸۲ بار دیگر قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کرد و علاوه بر درخواست‌های قبلی، تهدید کرد که چنانچه کوتاهی‌های جدی و بیشتر از جمهوری اسلامی ایران دیده شود، شورا بلافاصله

۱. برای جزئیات روند فعالیت هسته‌ای ایران و پیامدهای جهانی آن رک: Patrikarakos, 2012؛ پرونده هسته‌ای ایران،

شماره های ۱، ۲، ۳، ۴، تهران، ابرار معاصر تهران در سالهای ۱۳۸۶، ۱۳۸۴، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷.

۲. مقاله زیر برای اطلاع از روند بررسی پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مواضع و تلاش‌های آمریکا علیه ایران و نیز روندی که به ارسال آن به شورای امنیت منجر شد مفید است:

DUNN DAVID HASTINGS(2007), "Real men want to go to Tehran": Bush, pre-emption and the Iranian nuclear challenge".
International Affairs 83: 1 (2007) 19–38, Journal Compilation © 2007 Blackwell Publishing Ltd/The Royal Institute of International Affairs.

تشکیل جلسه خواهد داد و تصمیمات لازم را اتخاذ خواهد کرد (un.org/securitycouncil/content/2231/iaea-reports).

با آغاز به کار ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، تعلیق‌های داوطلبانه از سوی ایران کنار گذاشته شد و از تأسیسات یو سی اف (UCF) اصفهان رفع پلمپ شد و سرانجام در بهمن‌ماه ۱۳۸۴ پرونده ایران به شورای امنیت ارسال شد.^۱ اما در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان پیشنهادهایی را به ایران ارائه دادند که به بسته ۵+۱ معروف شد.^۲ مقامات ایرانی اعلام کردند آن را بررسی می‌کنند و در ۳۱ مرداد ۱۳۸۵ پاسخ بسته را خواهند داد. آمریکا و اروپا خواستار پاسخ سریع‌تر شدند، اما با پافشاری ایران بر اعلام پاسخ در تاریخ ذکرشده، سرانجام شورای امنیت در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۸۵ مبادرت به صدور قطعنامه‌ای (S/RES/۱۶۹۶) علیه ایران کرده و تهدید به تصمیم‌گیری ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد کرد. انتشار گزارش ارزیابی اطلاعات ملی آمریکا در ۳ دسامبر ۲۰۰۷^۳ در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران که حاکی از توقف فعالیت‌های هسته‌ای نظامی از سال ۲۰۰۳ به بعد بود (NIC 2007)، واکنش‌های متفاوتی را در جهان برانگیخت و اعضای حزب دموکرات آمریکا با اشاره به گزارش جدید اطلاعاتی درباره برنامه اتمی ایران، به دولت این کشور درباره عدم تکرار اشتباه عراق در مورد ایران هشدار دادند (Shanker, 2006). اما اسرائیل آن را دروغ (Parsi, 2009: 1) و برخی دیگر آن را سبب تضعیف حمایت بین‌المللی از افزایش تحریم‌ها بر ضد ایران و بسته شدن گزینه نظامی آمریکا علیه ایران دانستند^۴ و ایهود اولمرت با به چالش کشیدن گزارش ارزیابی اطلاعات ملی آمریکا گفت: براساس اطلاعاتی که ما داریم، ایران به برنامه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد و هرگز برنامه هسته‌ای خود را متوقف نکرده است (Migdalovitz, 2008: 14-15).

آمریکا علاوه بر اعمال فشار از طریق صدور قطعنامه و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد^۵، با اتخاذ تحریم‌های ثانویه فشارها را تشدید کرد. عالی‌ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی برای گرفتن بهانه از آمریکا به کرات از حرمت ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای

1. <http://dari.irib.ir/hastrai>

۲. ن.ک:

Efraim Kam, (2007), A Nuclear Iran: What Does It Mean, and What Can be Done. Israel, Institute for National Security Studies.

3. National Intelligence Council, Iran: Nuclear Intentions and Capabilities, National Intelligence Estimate, November 2007.

4. http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/12/071206_h_usreport_israel.shtml/&Barbalat, 2008, p99-100

۵. شایان ذکر است که از ۱۷ مارس ۲۰۰۸ تا ۲۱ مارس ۲۰۱۲ شورای امنیت به درخواست آمریکا ۱۵ جلسه برای اتمام

کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷ در مورد ایران برگزار کرده است. به نقل از: <http://irannuc.ir/fa/index.php>

سخن به میان آورد و گفت جمهوری اسلامی از لحاظ فکری، نظری و فقهی داشتن سلاح هسته‌ای را گناه بزرگ می‌داند و اعتقاد دارد نگهداری چنین سلاحی نیز بیهوده، پرخطر و پرخطر است (سایت رهبری ۱۳۹۰/۱۲/۳). اما به‌رغم مطرح کردن حرمت ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای از سوی رهبر جمهوری اسلامی، مواضع رسمی دولت او با ما^۱ تغییری نکرد، به‌نحوی که هشدار مقامات سابق آمریکا را در پی داشت که این کار سبب می‌شود ایرانیان در اعتقاد خود نسبت به بی‌اعتمادی به آمریکا راسخ‌تر شوند (New York Times, 2013/08/01) (islamtimes.org).

علاوه بر مقامات سابق و مسئولان سیاستگذاری آمریکا، کارشناسان و محققانی غربی نیز به آمریکا هشدار داده و تلاش ایران برای کسب توانایی هسته‌ای را با خرد و پیشرفت ملی مرتبط دانسته و نیاز به نیروی نظامی قوی را متأثر از تجارب تلخ تاریخی دانسته‌اند (Patrikarakos, 2012). برخی با ذکر دغدغه‌های امنیتی جمهوری اسلامی (اشاره به نابودی ۴۰ تا ۶۰ درصدی سلاح‌های متعارف ایران در جنگ با عراق و تجهیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با سلاح‌های پیشرفته غربی و وضعیت اسرائیل) معتقدند که غرب باید رویکرد خود را در خصوص مسئله هسته‌ای ایران مجدداً ارزیابی کند تا از هل دادن ایران در راه بی‌بازگشت تولید بمب هسته‌ای جلوگیری به‌عمل آید (Cordesman, 2012; Walt, 2013).

اما در مقابل مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS) در گزارشی با عنوان «رقابت استراتژیک ایران و آمریکا: تحریم‌ها، انرژی، کنترل تسلیحات و تغییر رژیم»^۲ با بررسی سیر تحریم‌ها معتقد است که تحریم‌ها تا سال ۲۰۱۱ تأثیرگذاری اندکی داشته‌اند، اما با گسترش دامنه تحریم‌ها و فشار به گلوگاه‌های اقتصاد ایران یعنی نفت و بانک‌ها و... از ۲۰۱۲ به بعد تأثیر فلج‌کننده‌شان آغاز شده و لذا توصیه آنها تشدید تحریم و فشار و از این رهگذر به زانو

۱. نگاهی به فرامین اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا در مورد ایران بیانگر این است که مواضع آمریکا در دوره باراک اوباما نسبت به دوره بوش نه تنها فرقی نکرده که شدیدتر نیز شده است. برای مثال بنگرید به فرمان اجرایی مورخ اول می ۲۰۱۲:

(FR Doc.2012-10884 Filed 5-2-12; 11:15 am) Billing code 3295-F2-P.

۲. نگاهی به تجارب تاریخی ایران از جمله شکست‌های ایران در جنگ با روسیه و از دست دادن سرزمین‌های قفقاز در نیمه اول قرن نوزدهم؛ دخالت انگلیس و روسیه در امور داخلی ایران در دوره قاجار؛ اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم؛ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ حمله عراق به ایران و استفاده آن کشور از سلاح شیمیایی در جنگ؛ اشغال افغانستان و عراق در حملاتی به رهبری ایالات متحده؛ و استقرار نیروهای آمریکایی در تمام کشورهای همسایه ایران مؤید این نگرانی است.

3. U.S. and Iranian Strategic Competition Sanctions, Energy, Arms Control and Regime Change.

در آوردن ایران است (Gold & Cordesman, 2013). اندیشکده "امنیت آمریکایی نوین"^۱ در گزارشی با عنوان "توسعه قدرت آمریکا؛ راهبردهای افزایش نقش آمریکا در نظم جهانی رقابتی"^۲، بر افزایش و گسترش حضور هژمونیک آمریکا در مناطق حساس سراسر جهان و با استفاده از همه ابزارها از جمله مداخله نظامی تأکید می‌کند (Campbell, 2016).

اختلاف نظر تعامل‌گرایان و تقابل‌گرایان تأثیری در صحنه عمل نداشت. روند تصاعدی رویارویی با افزایش فشار از طریق صدور قطعنامه^۳ و گسترش دامنه تحریم‌ها به صادرات نفت، بیمه، بانک‌ها و مقامات رسمی جمهوری اسلامی، تهاجمی‌تر و خصمانه‌تر نیز شد. با ادامه روند مذکور و در پی تلاش برخی کشورها و افراد در قالب میانجی از جمله مقامات عمانی، سرانجام جمهوری اسلامی به نقطه‌ای رسید که رویکرد مذاکره را پذیرفت.

روی آوردن به دیپلماسی مذاکره

محمود احمدی‌نژاد که با کاغذپاره خواندن قطعنامه‌های سازمان ملل^۴ بر بی‌تأثیری تحریم‌ها پای می‌فشرد، سرانجام با پذیرش تلویحی آثار سوء تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و فلج‌کننده خواندن آنها (سایت شفاف، ۱۳۹۰/۷/۷)، به استراتژی گفت‌وگو روی آورد و طی سال‌های ۸۷ تا ۹۲ در مجموع نه دور مذاکره با طرف‌های مقابل برگزار کرد (سه بار آن ژنو، دو بار استانبول، دو بار آلمانی و دو بار هم در بغداد و مسکو) (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۳/۹/۶).

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی این روند ادامه یافت و محمدجواد ظریف مأمور حل‌وفصل مسئله هسته‌ای شد. مذاکرات از اول مهر ۱۳۹۲ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳) در نیویورک بین جواد ظریف و کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برگزار شد و با شکسته شدن تابوی مذاکره با آمریکا، سرانجام جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ (شامل آمریکا، آلمان، انگلیس، چین، فرانسه و روسیه همراه با نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپایی) پس از ۲۲ ماه مذاکره سخت و فشرده، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به توافق رسیدند و برنامه جامع اقدام

1. Center for a New American Security.
2. Extending American Power: Strategies to Expand US Engagement in a Competitive World Order.

۳. قطعنامه‌های شورای امنیت:

1696(2006), 1737(2006), 1747(2007), 1803(2008), 1835(2008), and 1929(2010).

۴. «شما فکر می‌کنید که اگر جمع شوید و کاغذپاره صادر کنید، می‌توانید جلوی ملت ایران را بگیرید، شما بیست‌وهشت سال مخالفت کردید، محاصره اقتصادی، تحریم و فشارهای سیاسی را انجام دادید، اما امروز ملت ایران هسته‌ای است و اگر باز هم تکرار کنید، حاصل آن را خواهید دید و بدانید این حرکت شما بر اراده ملت ایران اثری نخواهد داشت» رجانیوز:

<http://jamnews.ir/TextVersionDetail/257849>

مشترک (برجام/JCPOA) را امضا کردند و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز با تصویب قطعنامه S/RES/2231 بر آن صحنه گذاشت.

طبق برجام و برنامه زمان‌بندی‌شده آن، باید همزمان با اجرای تعهدات طرفین و راستی‌آزمایی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران، قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص مسئله هسته‌ای ایران لغو و ایران از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد خارج شده و تحریم‌ها نیز برچیده شوند. گزارش‌های سازمان انرژی اتمی بین‌المللی به شورای امنیت از اولین گزارش پس‌برجام در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶ (S/2016/57) تا آخرین گزارش در تاریخ ۶ مارس ۲۰۱۹ (S/2019/212) حاکی از اجرای تعهدات و عدم تخلف ایران از برنامه جامع اقدام مشترک است (un.org/securitycouncil/content/2231/iaea-reports). حال باید دید چرا در زمانی که متولی اصلی مسائل هسته‌ای (سازمان بین‌المللی انرژی اتمی) با تأکید اعلام می‌کند که جمهوری اسلامی به برجام متعهد بوده و جای هیچ‌گونه نگرانی از نقض آن‌پی‌تی توسط ایران نیست، آمریکا از برجام خارج می‌شود و سیاست تهدید و تحریم و فشار را شدت می‌بخشد؟ آن هم درست در زمانی که شرایط پس‌برجام امکان هر گونه مخفی‌کاری در تأسیسات هسته‌ای را از ایران گرفته و کلیه فعالیت‌هایش در مراکز هسته‌ای به دقت تحت دقیق‌ترین سیستم‌های پایش آژانس قرار گرفته است که به این معناست که هدف ادعایی آمریکا از فشار و تحریم محقق شده و ایران با شرایط کنونی توان تولید سلاح اتمی و مخفی‌کاری را ندارد، از این‌رو آمریکا باید تعهدات متقابل خود را مطابق با برجام در لغو تحریم‌ها و کاهش فشارها انجام دهد، اما آمریکای دونالد ترامپ نه تنها به تعهدات خود پایبند نماند، بلکه با خروج از برجام و افزایش فشار، تنش‌ها را به اوج خود رسانید و برایان هوک مسئول ایران در وزارت خارجه آمریکا در مراسمی در مقابل سفارت ایران در آمریکا اظهار امیدواری کرد که کلید سفارت را به دولت منتخب واقعی مردم تحویل دهد- که معنایی جز تغییر رژیم ندارد- و همزمان ویکتوریا کوتس معاون دستیار رئیس‌جمهور آمریکا گفت برنامه ما در قبال ایران این است که فشارها به سطحی تحمل‌ناپذیر برسد (همان و New York times8/4/2019).

از این‌رو می‌توان گفت در شرایطی که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً مهار و کنترل شده بود، خروج آمریکا از برجام و در پیش گرفتن سیاست فشار حداکثری به این معناست که نقض رژیم بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دغدغه اصلی آمریکا نیست. از اینکه بگذریم، شاهد مثال تأمل‌برانگیزش- علاوه بر مواضع آمریکا نسبت به فناوری هسته‌ای در زمان محمدرضا پهلوی-، در اینجاست که همزمان با هیاهوهای دونالد ترامپ درباره امکان ساخت سلاح اتمی توسط جمهوری اسلامی، کمیسیون پارلمانی کنگره آمریکا اعلام کرد «چندین مورد

هشدار» دریافت کرده که نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری آمریکا (دونالد ترامپ) درصدد فروش «فناوری هسته‌ای حساس» به عربستان سعودی^۱ از طریق "آی پی ۳" اینترنت‌شنال^۲ است. (bbcpersian.com/2019/02/20 & fa.euronews.com/2019/02/20) که این امر با داعیه نگرانی از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای همخوانی ندارد. حال باید دید که اگر ممانعت از نقض ان‌پی‌تی در غده اصلی آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی نیست، چه عاملی می‌تواند توضیح‌دهنده روند تخاصمی-تهاجمی آمریکا در پوشش فناوری هسته‌ای نسبت به جمهوری اسلامی باشد و توضیح و تبیینی منطقی و قابل پذیرش ارائه کند؟

تغییر رویکرد کلان سیاست خارجی آمریکا؟

میرشایمر و استفان والت در اواسط سال ۲۰۱۶ میلادی به تدوین خطوط استراتژی کلان آمریکا در قالب توازن فراساحلی یا توازن از راه دور پرداختند. آنها با نقد استراتژی هژمونی لیبرال و پلیس جهان بودن و با انگشت گذاشتن بر هزینه‌های سرسام‌آور این رویکرد برای مردم آمریکا و برشمردن نقاط قوت استراتژی موازنه فراساحلی، به دولت دونالد ترامپ توصیه کردند که با تغییر رویکرد، منافع آمریکا را تأمین کنند و بار مالی اهداف و منافع ملی آمریکا را بر دوش هم‌پیمانان خود بیندازند و تمرکز خود را بر حفظ هژمونی آمریکا در نیمکره شمالی قرار دهند و همزمان از طریق برقراری موازنه، در پی مقابله با هژمون‌های بالقوه در مناطق سه‌گانه اروپا، شمال شرق آسیا و خلیج فارس باشند. همچنین با برقراری موازنه‌ای فرسایشی در مناطق مذکور مانع از ظهور هژمون منطقه‌ای شود و حضور نظامی و مستقیم آمریکا در جهان فقط به زمانی موکول شود که منافع و ارزش‌های حیاتی آمریکا به خطر افتد یا برای مقابله با فجایع انسانی و نسل‌کشی در جهان باشد (Mersheimer & Walt, 2016). این نظریه‌پردازان در همین مقاله اگرچه به ترامپ توصیه می‌کنند که روابطش را با ایران بهبود بخشد و برای ایجاد توازن در خلیج فارس با جمهوری اسلامی همکاری کند، همزمان تأکید می‌کنند با توجه به اینکه ایران نسبت به همسایگان عربی در موقعیت قدرت برتر منطقه قرار دارد، ممکن است در جهت کسب قدرت هژمون منطقه‌ای حرکت کند که در این صورت آمریکا باید با نمایش حضور قدرتمند و باشکوه خود، مانع هژمون شدن ایران شود. این نظریه‌پردازان جنگ ایران و عراق را مصداقی از موازنه فرسایشی در منطقه خلیج فارس می‌دانند که ضمن فرسایش قدرت دو کشور ایران و عراق، توازن را به نفع هم‌پیمانان آمریکا در منطقه به‌ویژه اسرائیل، حفظ کرد (Mersheimer & Walt, 2016). تحلیلگران و نظریه‌پردازان دیگری هم قبل از مرشایمر و والت،

۱. عربستانی که هنوز خون جمال خاشقچی از دستان حکامش می‌چکد و پابندی آنان به قوانین و رژیم‌های بین‌المللی به‌شدت زیر سؤال است.

دولت آمریکا را به رویکرد تعامل‌گزینشی و توازن فراساحلی فراخواندند و با مقایسه هزینه‌های حضور مستقیم و مداخله نظامی در سال‌های اخیر با دوران جنگ سرد که نوعی توازن از راه دور را پیگیری می‌کرد، منافع آمریکا را در تغییر استراتژی و بازگشت دوباره به سیاست‌های دوران جنگ سرد در خاورمیانه قلمداد کردند (Klieman, 2015).

دونالد ترامپ اگرچه تا این زمان رویکرد شفاف و منسجمی در سیاست خارجی از خود نشان نداده و عملکردش در روابط برون‌مرزی از دکتترین تعریف‌شده‌ای پیروی نمی‌کند، اصول فکری وی در روابط خارجی نیز متأثر از روحیه تاجر مسلکی‌اش است که از خلال سخنرانی‌های رسمی و مصاحبه‌های قابل استنباط است. مثلاً این گفته که آمریکا هم از سوی دوستان و هم دشمنانش به گروگان گرفته شده و اکنون زمان آن فرا رسیده است که آمریکا کنار بنشیند و بقیه هزینه‌ها را پردازند (Trump, 2016)، حاکی از روحیه حسابگری و همسو با رویکرد توازن فراساحلی است و می‌توان با تحلیل محتوای سخنان ترامپ به این نتیجه رسید که سیاست‌های اعمالی وی همسو و در راستای عملیاتی کردن توازن فراساحلی در سیاست خارجی به‌ویژه در خلیج فارس و شمال شرق آسیاست.

نتیجه

با بررسی‌های مذکور و مقایسه موضع آمریکا در خصوص فناوری هسته‌ای در ایران زمان پهلوی و جمهوری اسلامی، به چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در موضع آمریکا می‌رسیم که با توسل به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای قابل توضیح نیست. ماده دوم پیمان ان‌پی‌تی با اطلاقی تام مقرر می‌دارد که کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نباید فناوری سلاح هسته‌ای را کسب کنند و فرقی بین کشور دوست و دشمن و هم‌پیمان این یا آن کشور قدر قدرت نگذاشته است. بنابراین عملکرد دوگانه آمریکا به لحاظ مقررات مندرج در پادمان منع گسترش، پذیرفته نیست. از این‌رو فشارها، تهدیدها و تحریم‌های آمریکا علیه ایران با توجیه نگرانی از نقض پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی توسط ایران، - آن هم زمانی که ایران سیستم نظارتی پیش‌بینی‌شده در برجام را پذیرفته و تمامی گزارش‌های آژانس حاکی از عدم تخلف جمهوری اسلامی از تعهدات مبتنی بر برجام است -، بهانه‌ای بیش نیست، به‌ویژه آنکه در همین زمان کمیسیون پارلمانی کنگره آمریکا نگران گزارش‌های همکاری دولت آمریکا با عربستان سعودی برای دستیابی به فناوری‌های حساس هسته‌ای است و با تحقیق و تفحص در صدد اقدام قضایی برآمده است. از این‌رو علت تخاصم و دشمنی آمریکا با ایران را باید در سیاست‌های اعمالی آمریکا جست‌وجو کرد نه سیاست‌های اعلامی آن.

ایران پس‌ابرجام با رهایی از فشار تحریم‌ها، افق روشن سرمایه‌گذاری خارجی، خروج از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و قدرت‌نمایی مقتدرانه در عراق و سوریه-در حفظ حکومت بشار اسد و از پای درآوردن داعش- و برخوردار از فناوری هسته‌ای می‌تواند خطرهای زیادی برای منافع خاورمیانه‌ای آمریکا داشته باشد، چراکه فناوری هسته‌ای در کنار فرصت‌های فراهم‌شده در سایهٔ برج‌جام، موجب ارتقای تصاعدی توان ملی ایران می‌شود و پتانسیل تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه‌ای یا هژمون را به‌همراه خواهد داشت و توازن منطقه‌ای را به‌ضرر منافع خاورمیانه‌ای آمریکا و متحدانش به‌ویژه متحد استراتژیکش یعنی اسرائیل بر هم خواهد زد. لذا خروج از برج‌جام و برگرداندن جمهوری اسلامی به شرایط پیش‌ابرجام، کاملاً همسو با منافع آمریکا و متحدانش در منطقه است و می‌تواند حاکی از چرخش در رویکرد خاورمیانه‌ای این کشور باشد، نه صرفاً دغدغهٔ تولید سلاح هسته‌ای و نقض ان‌پی‌تی.

توجه به روند حوادث و رویدادها در خاورمیانه، از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ تاکنون، حاکی از آن است که تلاش‌های دولت آمریکا و اسرائیل در ایجاد چرخش خصومت اعراب و اسرائیل به خصومت اعراب و جمهوری اسلامی به بار نشسته است، به‌گونه‌ای که از یک‌سو نشانه‌های همگرایی و همسویی اعراب با اسرائیل و کم‌رنگ شدن تهدیدات موجودیتی اسرائیل از جانب اعراب، به چشم می‌خورد و از سوی دیگر، کشورهای عرب و در رأس آنها عربستان سعودی، همسو و همراه با اسرائیل، به خصومت و رویارویی مستقیم با جمهوری اسلامی پرداخته است و همه‌چیز حاکی از آن است که آمریکا موفق شده است بدون حضور و مداخلهٔ نظامی، شبکه‌ای از متحدان خود در منطقه را ساماندهی کند تا با ایجاد توازن فرساینده میان قدرت‌های منطقه، مانع از ظهور هژمون شود و اهداف و منافع ایالات متحده را هم از طریق شرکا و متحدان منطقه‌ای خود تأمین کند و بدین طریق نیاز به حضور و نقش‌آفرینی مستقیم و پرهزینهٔ آمریکا کم شود. در نتیجه با توجه به سلطهٔ منطقی هزینه-فایده (—benefit cost) بر دیدگاه دونالد ترامپ، می‌توان گفت امروزه شرایط برای تغییر رویکرد آمریکا از حضور و درگیری مستقیم و پرهزینه، به رویکرد کم‌هزینه‌تر توازن از راه دور -و در صورت لزوم همراه با حضور نمایشی، اما قدرتمند- آماده شده است و اینجاست که خروج آمریکا از برج‌جام، تشدید فشارها و میدان دادن به شرکای منطقه‌ای در تقابل با ایران برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی، در راستای رویکرد کلان آمریکا در خلیج‌فارس، قابل توضیح و فهم می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. توانا، کامبیز (۱۳۸۳). نزاع دوطرفه، روزنامه شرق (۱۳۸۳/۲/۸).
۲. ----- (۱۳۸۳). گزارش لیگابو درباره وضعیت آزادی بیان در ایران: چالش‌های پیش‌رو، روزنامه شرق، ویژه‌نامه نوروز، ۱۳۸۳.
۳. شورای راهبردی روابط خارجی (۱۳۹۳). توصیه‌های گروه بین‌المللی بحران به گروه ۵+۱، ترجمه علی کربلایی حسینی.
۴. کوردزمن، آنتونی، اچ (۱۳۸۲). موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه، ترجمه مرکز تحقیقات و مطالعات سپاه پاسداران، تهران: سایه روشن.
۵. بووی، نیل (۱۳۹۱). «زمینه‌چینی برای جنگ هسته‌ای علیه ایران»، ترجمه فاطمه خلیلی فر، مجله سیاحت غرب، ش ۱۰۸، ۴۹-۶۴.

ب) خارجی

6. Brzezinski Zbigniew; Robert M. Gates (2004). Iran: Time for a New Approach. Council on Foreign Relations®, Inc.
7. Bush, pre-emption and the Iranian nuclear challenge". International Affairs 83: 1 (2007) 19-38, Journal Compilation © 2007 Blackwell Publishing Ltd/The Royal Institute of International Affairs.
8. Cordemans, Anthony H.(2012) "Rethinking Our Approach to Iran's Search for the Bomb", available at: <http://csis.org/publication/rethinking-our-approach-irans-search-bomb>
9. Covarrubias Jach and Tom Lanford,(2007) Strategic Interests in the Middle East: Opposition or Support for US Foreign Policy.USA,Ashgate.
10. Campbell, K, (etc). (2016). Extending American power, Strategies to Expand
11. US Engagement in a Competitive World Order. Available at:
12. <https://www.cnas.org/publications/reports/extending-american-power-strategiesto-expand-u-s-engagement-in-a-competitive-world-order>.
14. Donald J. Trump.(2016). Foreign Policy Speech, 27 April 2016. Available at: <https://www.donaldjtrump.com/press-releases/donald-j.-trump-foreign-policy-speech>
15. GLADSTONE, Rick.(2013). "Sending Message to Iran, House Approves Tougher Sanctions" available at:
16. Gold B and Cordesman A (2013), U.S. and Iranian Strategic Competition Sanctions, Energy, Arms Control and Regime Change.July 22, 2013(CSIS).
17. HASTINGS, DUNN DAVID. (2007). 'Real men want to go to Tehran':
18. Hoveida, Fereidon. (2006)," American Foreign Policy Interests"/ Terrorist Online Publication Date: 01 February 2006
19. ICG (2003)"Iran: Discontent and Disarray," Middle East Report 18(27).
20. International Crisis Group (2014), Iran and the P5+ : Solving the Nuclear Rubik's Cube.
21. Kam Efraim (2007). A Nuclear Iran: What Does It Mean,and What Can be Done. Israel, Institute for National Security Studies.
22. Klieman, A. (2015). *Great Powers and Geopolitics, International Affairs in a Rebalancing World*. New York: Springer International Publishing.
23. Mersheimer, J., & Walt, S. (2016). The Case for Offshore Balancing, A Superior U.S. Grand Strategy. *Foreign Policy*, pp. 70-83.
24. Mearsheimer John. J and Walt Stephen. M(2007),The Israel Lobby And U.S.Foreign Policy. Printed in the United States of America.(FARRAR, STRAUS AND GIROUX I NEW YORK).
25. Migdalovitz Carol (2008), Israel: Background and Relations with the United States.CRS Report For Congress/ Order Code RL33476
26. National Intelligence Council, *Iran: Nuclear Intentions and Capabilities*, National Intelligence Estimate, November 2007.
27. Parsi Trita (2007), Treacherous Alliance The Secret Dealings of Israel,Iran,And The U.S.Yale University Press/New Haven and London.

28. Parsi Trita (2009). Politics: Is Iran NIE a Blessing in Disguise for Srael?.IPS/April 07,2009/17:24Gmt.
29. Patrikarakos, David(2012), Nuclear Iran: The Birth of an Atomic State.
30. Published in 2012 by I.B. Tauris & Co Ltd ISBN:978-1780761251.
31. Shanker Tom(2006), 'US and Britain to add ships to Persian Gulf in alert to Iran', *New York Times*, 21 Dec. 2006.
32. S/RES/2231 (2015)
33. Tannenwald Nina(2008), *The Nuclear Taboo: The United States and the Non-Use of Nuclear Weapons Since 1945*. Cambridge University Press.
34. UNCLASSIFIED: Annual Report on Military Power of Iran April2012.
35. <http://iipdigital.usembassy.gov/st/persian/texttrans/2012/01/20120123181838x6.444514e-02.html#ixzz23MtUniLM>
36. <https://www.iaea.org/search/google/iran%20Feb%202002>
37. <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/iaea-reports>
38. <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/background>
39. <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/iaea-reports>
40. http://walt.foreignpolicy.com/posts/2013/03/26/our_myopic_approach_to_iran
41. <http://www.asriran.com/fa/news/288443/> - شورای روابط - خارجی - آمریکا - نمی - توان - در - برابر - سو - سه - / - استقبال - از - سیاستمدار - پرمگماتیکی - چون - روحانی - مقاومت - کرد
42. <http://dari.irib.ir/hastrai>
43. www.iran.org/ - خبرگزاری ایران
44. <http://irannuc.ir/fa/index.php>
45. http://www.nytimes.com/2013/08/01/us/politics/sending-message-to-iran-house-approves-tougher-sanctions.html?_r=0
46. <http://www.islamtimes.org/vdchxmniq23nkqd.01t2.html>
47. <http://www.foreignaffairs.com/articles/137731/kenneth-n-waltz/why-iran-should-get-the-bomb>
48. <http://www.foreignaffairs.com/articles/137781/colin-h-kahl-and-kenneth-n-waltz/iran-and-the-bomb>
49. http://irannuc.ir/fa/index.php?option=com_content&view=article&id=2423
50. http://irannuc.ir/fa/index.php?option=com_content&view=article&id=2354 & شکست
catid= 104&Itemid=510: مجموعه - سیاست - های - رسمی - ایران
51. http://www.bbc.co.uk/go/wsy/pub/email/ft/persian/iran/2014/09/140923_123_iran_usa_rouhani_nuclear_deal.shtml
52. <http://www.irna.ir/fa/News/81233662>
53. <http://irannuc.ir/fa/index.php>
54. <http://jamnews.ir/TextVersionDetail/257849->
55. <http://www.asriran.com/fa/news/225704/> - / - تصویب - تحریم - های - جدید - علیه - ایران - در - کنگره - آمریکا
56. http://www.bbc.co.uk/go/wsy/pub/email/ft/persian/iran/2014/09/140913_123_iran_nuclear_talks_blix_advise_nyc.shtml
57. http://www.bbc.co.uk/go/wsy/pub/email/ft/persian/iran/2014/08/140811_112_iran_going_to_tehran_amiri_book_review.shtm
58. <https://www.leader.ir/fa/speech/9182/%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%D9%85%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87-%D8%A7%DB%8C>